

واکاوی و کاربست رویکرد اخلاقی نتیجه گرا در نظام آموزشی

شهلا ذهبیون^۱. افسانه کلباسی^۲

^۱ مدرس دانشگاه فرهنگیان

^۲ استاد یار، گروه تربیت حرفه ای، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران.

نویسنده مسئول:

شهلا ذهبیون

shahla_zahabioun@yahoo.com

چکیده

مکاتب اخلاقی مختلف برای اطمینان از فهم و اتخاذ مواضع صحیح اخلاقی و این که چگونه شخصی باید بود، چه اهدافی را باید دنبال نمود و چه عملی درست یا غلط است ملاک و معیارهای متفاوتی را ارائه نموده اند. رویکرد اخلاقی نتیجه گرا به عنوان یکی از مکاتب غایت گرای عمده در حوزه اخلاق هنجاری، معیار اخلاقی بودن یک عمل را در گرو نتایج آن می داند. از نظر نتیجه گرایان عملی اخلاقی است که حد اکثر سود را به دنبال داشته باشد. نظریه نتیجه گرا اصولاً در تقابل با نظریه وظیفه گرا که بر اساس آن، منشأ درستی و نادرستی یک عمل، در ذات و ماهیت خود عمل نهفته است، و نظریه فضیلت گرا که تأکید آن بر شخصیت و کردار فاعل است، قرار دارد. قائل بودن به نتیجه و تأکید بر دستیابی به حداکثر سود و کسب بیشترین میزان لذت، این رویکرد را در معرض انتقادات فراوانی قرار داده است. پژوهش حاضر با رویکردی مروری-تحلیلی در صدد بازنگری در این رویکرد و واکاوی دو مفهوم کلیدی سود و لذت به عنوان یک رویکرد کاربردی در نظام های آموزشی است. یافته های حاصل از این تحقیق نشان داده است با تأکید و تقویت برخی تقریرها و اصلاح پاره ای ایرادها می توان از این رویکرد به عنوان یک رویکرد اخلاقی مکمل در کنار سایر نظریه های اخلاقی از جمله نظریه های فضیلت گرایی و وظیفه گرایی در تنظیم روابط و تعاملات اجتماعی و چالش های اخلاقی عصر حاضر سود برد

واژه های کلیدی: اخلاق، اخلاق نتیجه گرا، سودمندی، لذت

مقدمه

ریشه اختلاف مکاتب مختلف اخلاقی در تعاریفی است که از خوب و بد دارند. لذا مهم ترین نقش و کارکرد اخلاق هنجاری، ارائه نظریه و دیدگاهی معقول برای تبیین خوبی و بایستگی یا بدی یا نبایستگی یک عمل است. به عبارت دیگر بررسی معیار تمایز کار خوب و بد در اخلاق هنجاری صورت می گیرد. رویکردهای فضیلت گرا، وظیفه گرا و نتیجه گرا سه رویکرد عمده در حوزه اخلاق هنجاری به شمار می روند. به طور کلی می توان گفت محور اساسی در وظیفه گرایی و نتیجه گرایی این است که «چه چیز یک عمل را اخلاقی می سازد»، در حالی که در فضیلت گرایی، سؤال اساسی این است که «فرد دارای فضیلت، چه شخصیت و منشی باید داشته باشد». نتیجه گرایی به عنوان یکی از عمده ترین نظریه ها در حوزه اخلاق هنجاری، اخلاقی بودن اعمال را منوط به نتایج آن می داند. به تعبیر دیگر، عملی

اخلاقی است که بهترین نتایج را به دنبال داشته باشد. به باور نتیجه گرایان، ارزش های اخلاقی هنگامی سودمندند که موجب افزایش ارزش هائی شوند که لزوماً اخلاقی نبوده و مقدم بر ارزش های اخلاقی اند (Darwall, 2003). در نظریه های نتیجه گرا، اخلاقی بودن اعمال، انگیزه ها و قواعد بر اساس بیشترین پیامد خوب که به بار می آورند و یا کم ترین پیامد بد که به دنبال دارند، مورد ارزیابی قرار می گیرند (Landa, 2007 and Narita, 2009) بر اساس این نظریه، نتایج یا غایات وسیله را توجیه می کنند. به عبارت دیگر چنانچه پیامد و نتیجه یک عمل خوب باشد و نفع آن از ضررش بیشتر باشد، استفاده از هر وسیله ای برای رسیدن به آن از نظر اخلاقی مجاز خواهد بود (Armstrong et al, 2003). بنا به باور نتیجه گرایان، حداقل به شکلی ایده آل گرایانه، تنها در صورتی یک عمل بر عمل دیگر از نظر اخلاقی رجحان دارد، که فایده یا نتیجه نهائی عمل اول نسبت به عمل دوم بیشتر باشد. بدین معنا که در صورت مساوی بودن همه چیزها، باید گزینه ای را انتخاب نمود که علاوه بر آن که نتیجه خوبی به بار می آورد، این خوبی، فراگیر، جامع و همه جانبه باشد (Portmore, 2010 & Heikkinen, 2007). در حقیقت، اخلاق نتیجه گرا پیوسته افراد را در مقام گزینش بین بدیل های گوناگون قرار می دهد (Stavereen, 2007). سود گرایی به عنوان معروف ترین شاخه نظریه اخلاقی نتیجه گرایی که توسط پایه گذار این مکتب یعنی جرمی بنتام^۱ مطرح گردید، میزان و سنجش برای درستی و نادرستی یک عمل را در آن می داند که بیشترین شادی را برای بیشترین تعداد به ارمغان آورد (Burnes, 2005).

نتیجه گرایی یا پیامد گرایی، به عنوان یک نظریه هنجاری در فلسفه اخلاق، علیرغم تقریر های گوناگون، پیوسته با نقد و بررسی های فراوانی مواجه بوده است. نادیده گرفتن نقش فاعل اخلاقی و در نتیجه مدخلیت نداشتن هویت، منش و شخصیت عامل اخلاقی در ارزشگذاری های اخلاقی، بی توجهی به نیت و انگیزه، شکوفائی خصلت انسانی و تکامل روحی وی (حسینی سورکی، ۱۳۹۰)، عدم اطمینان و غیر قابل پیش بینی بودن کلیه نتایج حاصل از عمل (Lillehamer, 2007 & Dreier, 2006)، نظر داشتن به وضع موجود انسان و ارائه راهکارهایی برای وضع موجود او بر اساس لذت مند بودن یا ارضای میل و عدم تصور غایت و آرمانی برای آینده او به منظور رهائی از وضعیت نا به سامان اخلاقی و نیل به کمال و تعالی اخلاقی و عدم ارتباط منطقی میان ارزش و الزام یا به عبارت دیگر استنتاج «باید» از «هست» (جلیلی مقدم، ۱۳۸۹) و چگونگی ایجاد هر گونه حس اخلاقی پس از محاسبه سود و زیان (Hamilton, 2011) برخی از انتقادات عمده به این رویکرد است. از منظر دینی نیز این نظریه مورد مناقشه است، چرا که سود را صرفاً مبتنی بر سودهای دنیوی دانسته و به آن ارج می نهد و به منافع و سودهای اخروی بی اعتنا است. از سوی دیگر، در آموزه های دینی، انگیزه عمل از اهمیت شایانی برخوردار است. بدین معنی که کاری با وجود داشتن منافع بسیار، به دلیل فقدان نیت درست، نادرست تلقی می شود (نصیری، ۱۳۸۹).

به نظر می رسد علیرغم همه انتقادات، می توان با واکاوی و مرور تقریر های گوناگون این نظریه و تبیین مفاهیم کلیدی آن (نتیجه، فایده، لذت)، به عنوان رویکردی مکمل و در تلفیق با سایر رویکردهای موجود در حوزه اخلاق هنجاری، از قابلیت و ظرفیت این نظریه در ایجاد چارچوبی اخلاقی برای متوسطین جامعه که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت جوامع را تشکیل می دهند، سود برد. لذا هدف این مطالعه به طور مشخص تبیین، بازنگری و واکاوی مؤلفه های اساسی نتیجه، سود و لذت در رویکرد نتیجه گرا از دیدگاه صاحب نظران بوده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع مروری- تحلیلی است. در این پژوهش مطالعات انجام شده توسط صاحب نظران داخلی و خارجی در باره نظریه اخلاقی نتیجه گرا، به شیوه کتابخانه ای و مرور کتب، مقالات مجلات و منابع الکترونیکی در پایگاه های اطلاعاتی و وب سایت های ویژه اخلاق مانند Markkula Center، Globe Ethics و Ethicomp مورد شناسائی واقع گردید و سپس مفاهیم مرتبط با هدف پژوهش حاضر استخراج و با روش تحلیلی- استنباطی به تحلیل و تفسیر آنها پرداخته شد.

مبانی نظری

رویکرد نتیجه گرا که تحت عنوان نظریات غایت گرا از آن نام برده می شود، از کلمه یونانی (Teleos) به معنی غایت یا هدف، مشتق شده است. آنسکام^۲ در مقاله ای تحت عنوان «فلسفه اخلاق جدید»، واژه (Consequentialism) به معنی نتیجه گرایی را در اشاره به نظریاتی که به نتایج و پیامدهای اعمال اشخاص نظر دارد به کار برد. این نظریه به شکلی که آنسکام آن را معرفی کرد کاملاً با نظریه سود گرایی پیوند خورد و به همین دلیل اکثر اوقات این دو نظریه با یکدیگر تلفیق شده و به جای یکدیگر به کار می روند. اما نباید از نظر دور داشت که سود گرایی گونه خاصی از نظریات نتیجه گرایی بوده و زیر مجموعه آن قرار می گیرد. نظریه نتیجه گرا، اصولاً در تقابل با نظریه

¹ Bentham

² Anscombe

های وظیفه گرا که بر اساس آن ها، منشأ درستی و نادرستی یک عمل، در ذات و ماهیت خود عمل نهفته است و فضیلت گرا که تأکید آن بر شخصیت و کردار فاعل است، قرار دارد. در نظریه های نتیجه گرا، خوب بودن یک عمل، مقدم بر درست بودن آن عمل است (موحدی، ۱۳۸۹). از نظر تاریخی اولین اندیشمند مشهور که بتوان او را به عنوان فایده گرا معرفی کرد، اندیشمند چینی به نام موتزو^۱ در قرن پنجم قبل از میلاد است که آموزه های وی از نظر اخلاقی از جمله متعالی ترین آموزه های تمامی مکاتب چین باستان بود. وی تمام دوستی های نوع بشری و همه ارزش گذاری های اعمال را بر اساس سودمندی آن ها می دانست (جاهد و همکاران، ۱۳۹۰). به منظور تبیین نظریه نتیجه گرا، تشخیص تمایز موجود میان سه نظریه عمده فضیلت گرا، وظیفه گرا و نتیجه گرا در حوزه اخلاق هنجاری از حیث پاسخ به این سؤال که معیار اخلاقی بودن یک عمل کدام است، می تواند راهگشا باشد. در اخلاق فضیلت گرا، قبل از این که عمل درست تعیین گردد، توسعه فضیلت های اخلاقی ضرورت دارد. در نظریه اخلاقی کانت به عنوان ناب ترین نظریه اخلاقی وظیفه گرا، توسعه اراده خیر قبل از تعیین عمل درست ضرورت دارد، اما در اخلاق نتیجه گرا، محوریتی ارائه نشده است، بلکه آن چه مورد نظر است به شکل یک سؤال باز عنوان می گردد «چه عملی حد اکثر فایده را به بار می آورد؟» (Singleton, 1999). نتیجه گرایان نوعاً بر این مدعا هستند "ما باید کاری را انجام دهیم که بهترین پیامد ممکن را در بر داشته باشد (McElwee, 2011). نتیجه گرایان در تعریف سود و لذت و نوع نتیجه به عنوان ملاک ارزش و الزام اخلاقی با یکدیگر اختلاف نظر دارند. سود گرایی یا فایده گرایی به عنوان یکی از مهم ترین شاخه های نتیجه گرا، خود دارای انواع گوناگونی است.

سودگرایی

واژه سود گرایی (utilitarianism) از کلمه (utile) و به معنی سودمندی مفید، صلاح و مصلحت گرفته شده است و در لغت به معنی سودمند گرایی یا به تعبیر رایج تر سود گروی است (حسینی سورکی، ۱۳۹۰). سود گرایی معروف ترین نظریه اخلاقی نتیجه گرا است. هر چند این مکتب در آراء هویتوس، هاپسون و هیوم ریشه دارد اما جرمی بنتام را بنیان گذار سود گرایی نوین به شمار آورده اند و جان استوارت میل از نامدار ترین مدافعان آن محسوب می شود (جلیلی مقدم، ۱۳۸۹). فایده گرایی به عنوان یک مکتب فکری بزرگ در خلال عصر روشنگری در واقع پاسخی به نظرات طبیعت گرایانه و خودگرایانه هابز بود، چرا که اندیشه او در مورد انسان، به عنوان موجودی غیر اجتماعی و خودگرا با میل سیری ناپذیر به قدرت و همچنین نظریه او در باب الزام سیاسی باید پاسخ داده می شد (اترک، ۱۳۸۴). سود گرایان اولیه دموکراتیک بودند و اعتقاد داشتند خط و مشی اجتماعی باید به سود همه افراد باشد و نه طبقه بالاتر. با این همه بر این باور بودند که اگر منافع افراد مختلف در تعارض با یکدیگر قرار گیرد، گزینه ای بهترین خواهد بود که منافع تعداد بیشتری از آن ها را تأمین نماید (نصیری، ۱۳۸۹). ین سودگرایان بر حسب این که سود حاصل از انجام عمل عاید چه کسانی گردد، اختلاف نظر وجود دارد و بر این اساس شاخه های مختلفی را در آن به وجود آورده است.

شاخه های سودگروی:

۱- سود گروی عمل نگر: در این رویکرد به هیچ قاعده کلی توجه نمی شود و هر عملی به صورت خاص و جزئی بررسی و میزان سود و غلبه آن بر شرش، سنجیده می شود. همچنین اجازه استفاده از هیچ قاعده یا تعمیمی را از تجارب گذشته نمی دهد و اصرار دارد که در تک موارد باید آثار و نتایج همه اعمال که پیش روی ما قرار دارند بر اساس رفاه عمومی و سود اکثری، از نو سنجیده و محاسبه شود. البته گروهی از سودگرایان عمل نگر، رجوع به قواعد را هر چند به نحو حداقلی، می پذیرند، چرا که اصولاً ملاحظه و تأمل در تک موارد جزئی و اجرا و تطبیق بلا واسطه اصل سود در هر مورد خاص کاری بسیار دشوار خواهد بود (Horty et al 2011).

۲- سود گرایی عام: این نوع سود گرایی بر این اصل استوار است که پیامد هر کاری را که همه انجام می دهند، مورد مشاهده قرار دهند. تفکری که پشتوانه سود گرایی عام است، این است که اگر در موقعیت خاصی انجام کاری برای کسی صواب است، پس انجام آن برای همه کسانی که موقعیت مشابهی دارند، درست است. لذا سؤالی که می توان پرسید این است که اگر در چنین مواردی همه نخواهند مانند ما عمل کنند چه پیامدهائی خواهد داشت (سبحانی نیا، ۱۳۸۹ و نصیری، ۱۳۸۹).

۳- سود گرایی قاعده نگر: در این نوع سود گرایی بر نقش محوری قواعد اخلاق تأکید می شود و به ما می گوید، باید کاری را انجام دهیم که مورد توصیه قواعدی است که اگر افراد جامعه سعی در پیروی از آن ها نمایند، بهترین پیامد را خواهد داشت. به طور کلی این نظریه در پی آن است که بگوید کدام قاعده بیشترین سود را دارد. این سود گروی را به جان استوارت میل نسبت داده اند (Mulgan, 2002).

لاندا^۱ (۲۰۰۷) سودگروی را به دو شاخه سودگروی عمل نگر و قاعده نگر تقسیم نموده است. وی در تعریف سودگروی عمل نگر، بر عملی که بهترین نتیجه ممکن را به دنبال داشته باشد و یا نتایج آن در مقایسه با نتایج سایر گزینه های در دسترس در یک زمان معین، به اندازه کافی خوب باشد، تأکید دارد و طبق سودگروی قاعده نگر، اعمالی از نظر اخلاقی درست است که منطبق با بهترین و مناسب ترین قواعد اجتماعی باشد که بیشترین سود را فراهم می آورند.

سودگرایی بنتام و میل

بنتام معتقد است همه فعالیت های انسانی از جمله اخلاق را می توان بر اساس اصطلاح خوشی یا لذت و درد یا الم تجزیه و تحلیل نمود و پس به درک آن ها پرداخت. به زعم بنتام، طبیعت، بشر را تحت حاکمیت دو قدرت مطلق (لذت و الم) قرار داده است و آن چه ما انجام می دهیم و یا باید انجام دهیم تحت تأثیر این دو قدرت است (Burnes, 2005). او چهار منبع متمایز برای لذات و دردها می شمارد که عبارتند از منبع طبیعی یا فیزیکی، منبع اخلاقی، منبع سیاسی و منبع دینی. لذات و دردهای ما از این چهار منبع ناشی می شوند. او از چند لذت ساده مانند لذت حسی، لذت خوش نامی، لذت قدرت، لذت پرهیزگاری، لذت نیکوکاری، لذت آرزوها، و همچنین دردها مانند درد حسی، درد فقر، درد بدنامی و درد آرزوها نام می برد (اترک، ۱۳۸۴). برای بنتام همه لذت ها در یک سطح قرار داشته و هیچ نوع برتری نسبت به یکدیگر ندارند، تنها کمیت آن ها مهم است (Badhwar, 2006). تحلیل وی از لذت، تحلیلی روان شناختی و مبتنی بر نوعی لذت گرایی روانی است.

بر این اساس در انجام یک عمل، چنان چه با آن، لذتی تداعی شود به آن اقدام ورزیده و اگر انجام آن عمل، رنج و المی را تداعی نماید، از آن اجتناب می ورزیم (جلیلی مقدم، ۱۳۸۹). این نکته را نباید از نظر دور داشت که ارسطو به عنوان نظریه پرداز اخلاق فضیلت، اگر چه نقش امیال انسانی را به عنوان تنها عامل جهت دهنده و تعیین کننده در انتخاب های اخلاقی نمی داند، اما به گونه ای واقع بینانه از رضای آن ها تحت فرماندهی عقل حمایت می کند. علاوه بر آن وی با تدوین قوانین تداعی خود که در تاریخ «قانون فراوانی یا بسامد» نامیده شده است، پایه های مکتب تداعی گرایی را تشکیل داد که هنوز هم بخش عمده ای از روانشناسی نوین به حساب می آید (هرگنهان و السون، ۱۳۸۶).

بر خلاف بنتام، میل^۲ علیرغم لذت گرا بودن، برای لذات تفاوت کیفی قائل بوده و آن ها را اعم از لذات محسوس و مادی می داند. او به جای واژه لذت یا (pleasure) گاه از مفهوم (happiness) به معنی خوشی و خوشبختی که معنی عام تری دارد، استفاده می کرد. از نظر میل، هر عملی که موجب افزایش خوشی گردد، عملی درست و هر عملی که نتیجه ای عکس داشته باشد، غلط به شمار می آید. منظور از خوشی وجود لذت (pleasure) و فقدان الم (pain) بوده و منظور از عدم خوشی یا (unhappiness) وجود الم (pain) و محرومیت از لذت (pleasure) می باشد. میل معتقد است، اگر چه بی تردید خوشی و شادی، معیاری برای ارزیابی همه قواعد رفتار است اما به معنای آن نیست که این شادی و خوشی بایستی به طور مستقیم و بلاواسطه عاید فرد گردد، بلکه می تواند از طریق خوشی و شادی دیگران، رشد و پیشرفت نوع بشر، و حتی برخی هنرها، حاصل شود. این ها، نه به عنوان وسیله خوشی و شادی، بلکه به خودی خود، به عنوان غایات ایده آل به شمار می روند (Dreier, 2006). وی اجتناب از درد یا الم را بر خوشی های آتی، زودگذر و عاری از درد ترجیح می دهد (Slabbert, 2010). میل خوشی (pleasure) را به دو سطح تقسیم نموده و میان آن ها تفاوت قائل می شود. وی لذاتی مانند خرد و هوش، توانائی های ذهنی، خلاقیت و معنویت را در سطح بالا و لذات حاصل از احساسات صرف را در سطح پائین یا اولیه قرار می دهد. بدین ترتیب وی اصل سود و نتیجه مبتنی بر سعادت را توسعه داد. این مفهوم از کلمه یونانی (Eudaimona) مشتق شده است و به معنی سعادت و خوشبختی است. لذا تأکید میل بر اصل سعادت است و نه صرفاً خوشی. در نتیجه آن چه از نظر وی خوب و قابل قبول است، عمل یا تصمیمی است که بیشترین سعادت و خوشبختی را برای بیشترین افراد به بار آورد (حسینی، ۱۳۸۹، قریشی، ۱۳۹۰، Sher, 2001, Habibi 2001).

سعادت از کلمات و مفاهیم کلیدی در نظریه فضلت به شمار می رود. از نظر ارسطو، همه فضائل به عنوان وسیله ای برای رسیدن به هدف سعادت است. اگرچه ماهیت سعادت در نتیجه گرایی تفاوت اساسی با مفهوم سعادت از منظر ارسطو دارد، با این حال به عنوان هدف و غایت در نظر میل مطرح است. میل همچنین تصریح می کند "هر کس انسانی را از غرق شدن نجات دهد، به لحاظ اخلاقی کار درستی انجام داده است، خواه انگیزه اش انجام وظیفه باشد یا امید به دریافت پاداش" (Prist, 1957).

میل بیان می دارد "در قاعده زرین کانت با جان کلام اخلاق فایده باور مواجه می شویم". دستور العمل «آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران هم روا مدار و همسایه ات را چون خودت دوست بدار»، کمال مطلوب اخلاق فایده باور است، زیرا به باور نتیجه گرایان این قاعده

¹ Landa
² Mill

بیشترین سود را برای بیشترین افراد فراهم می آورد و از این جهت راهنمای درست و دقیقی برای عمل است" (مظاهری، ۱۳۸۹) بدین ترتیب، میل کاملاً روشن می سازد که در دیدگاه وی، درست یا غلط بودن رفتار از قواعد اخلاقی نشأت می گیرد (Lion, 1997).

برخی دیگر از فایده گرایان مانند مور و راشدال^۱ لذت گرا نبوده و در دیدگاه آنان چیزهای دیگری مانند حقیقت، زیبایی و عشق وجود دارد و به همان اندازه که لذت و یا خوشی فی نفسه خیر هستند این امور نیز فی نفسه خیرند. لذا آن ها به نام فایده گرای آرمانی^۲ خوانده می شوند. با این حال با فایده گرایان لذت گرا در این نکته هم عقیده اند که افعال منحصرأ از رهگذر نتایج و فایده بخشی شان در پدید آوردن امور مطلوب باید مورد داوری واقع شوند (جاهد، ۱۳۹۰).

اگر چه رویکرد اخلاقی نتیجه گرا به طور عام و فایده گرایی به طور خاص ریشه ای غیر الهی دارد. با این حال مکاتب الهی نیز نسبت به نتیجه و پیامد عمل بی توجه نبوده اند. در قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، خداوند با شناخت کامل بندگان خود که همواره در پی نعمت های زوال ناپذیر و لذت های جاودانه اند، در آیات متعددی آن ها را از بسنده کردن به نعمت های دنیا بر حذر داشته و زوال پذیر بودن متاع دنیا را یادآور شده و سعادت و رستگاری ابدی را تنها در آخرت قابل دسترسی می داند. از این رو آن ها را به انجام اعمال نیک دعوت می کند و از انجام هر عمل زشت و ناپسند که ممکن است منفعتی مقطعی در پی داشته باشد بر حذر می دارد. با این وجود در آیات متعددی اشاره به نفس انسان دارد: «و قسم به نفس و آن که او را نیکو آفرید و به او خیر و شر را الهام کرد که هر کس نفس خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد رستگار خواهد بود و هر که او را به کفر و گناه پلید گرداند البته زیان کار خواهد شد» (سوره شمس، آیه ۹-۷).

حضرت علی (ع) در خطبه ۷۶ نهج البلاغه می فرماید: مؤمن خصلتش این است که شبی را به صبح نمی برد و صبحی را شام نمی کند مگر آن که نفسش مورد بدگمانی او باشد. در عین حال در جای دیگری نفس را به شدت مورد تجلیل و تکریم قرار داده است. ایشان در نامه ۳۱ نهج البلاغه به امام مجتبی (ع) می فرماید: نفس خود را گرامی و محکم بدار، مبدا دچار پستی ها شود زیرا تو اگر از نفس خود چیزی را از دست دادی، چیزی جای او را نمی تواند پر کند. در فراز دیگری، حضرت می فرماید عبادت هائی که مردم انجام می دهند بر سه گونه است، یا به طمع بهشت است، یا از روی ترس و یا از روی سپاس و شکر و محبت و دوستی

خداوند (مطهری، ۱۳۷۴). همچنین به مؤمنان در ازای ایمان و عمل صالح پاداش بهشت را وعده می دهد (توبه: ۷۲، مائده: ۹، نسا: ۷۷، سجده: ۲۰-۱۹).

آیات و روایات فوق نشان از قدرت نفس در ایجاد کشش و گرایش به سوی تمایلات دنیوی و ارضاء غرایض دارد و بر این اساس می بایستی با نگاهی واقع بینانه و شناخت ماهیت وجودی انسان، از همه ابزارها و راهکارهای ممکن برای مهار آن سود برد تا ضمن توجه به نیازهای نفس انسانی وی را در مسیری اخلاقی رهنمون گردید. در افکار و اندیشه های برخی از متفکرین مسلمان نیز، علیرغم آن که تحت تأثیر اخلاق فضیلت گرایانه ارسطو قرار دارند، رگه هائی از اخلاق فایده گرا مشاهده می شود که بی تردید نه تنها حاصل تأملات و اندیشه ورزی آنان، بلکه ناشی از تعالیم و آموزه های دین اسلام می باشد. به طور مثال، بررسی افکار و آثار علی بن احمد بن حزم اندلسی از فیلسوفان و بزرگان مغرب اسلامی حاکی از آن است که قائل به نوعی نگاه فایده باور در اخلاق است او به دفعات در کتاب خود «الاخلاق والسير» از عبارت های «لا فائده فیه» و «لا منفعة فیه» و عبارت هائی که بیانگر این معانی هستند، استفاده کرده است. وی در اخلاق برای منفعت دنیوی و اخروی، نقش مهمی قائل است. به اعتقاد وی همه انسان ها در تمام افعالی که انجام می دهند، هدفی جز دور کردن غم و اندوه ندارند. این حزم برای دور کردن غم و اندوه، توجه به خدای تعالی با عمل برای آخرت را پیشنهاد می کند. در دیدگاه این حزم کسی که فعلی را برای آخرت انجام می دهد، اگر دچار امری ناخوشایند شود، نه تنها غمگین نشده که شادمان نیز می شود زیرا امید او به چیزی است که به آن نائل خواهد شد (جاهد، ۱۳۹۰).

سبحانی نیا (۱۳۸۹) با تبیین معیارهای هفتگانه بنتام برای سنجش میزان لذت و مقایسه آن با آموزه های قرآن کریم بیان می کند "با تبدیل جهان بینی مادی به جهان بینی الهی، نظریه سودگرایی به ویژه سودگرایی جرمی بنتام قابل ترمیم بوده و می توان آن را به نظریه ای با عنوان «سودگرایی دینی یا اسلامی» تبدیل کرد".

نصیری (۱۳۸۹) نیز در تحقیقی تحت عنوان نظریه «برین سودگرایی» در اخلاق و تطبیق آن با نظریه سودگرایی رایج، بر این اعتقاد است که می توان با استفاده از متون و مضامین دینی نظریه ای ارائه نمود که خالی از اشکالات و چالش های فراروی نظریه رایج سود گرایی باشد. وی تعبیری از سود به معنی «آن چه منفعت پایدار فرد را تأمین کند» ارائه داده و مقصود از منفعت پایدار را سودی می داند که محدود به این جهان نباشد، بلکه فراتر از آن، سرنوشت فرد در آخرت را نیز فرا گیرد.

موحدی و گلزار اصفهانی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود به بررسی موضوع سقط جنین پرداخته و استفاده از نظریه وظیفه گرایی یا نتیجه گرایی در رابطه با مسئله سقط جنین را وابسته به موقعیت و شرایط خاص می دانند. آن ها بر اساس نظریه اثر دوگانه، که آن را اساساً با

¹More & Rashdal² Ideal Utilitarian

وظیفه گرائی منطبق می دانند اظهار می دارند، در صورتی که نتیجه بارداری به خطر افتادن جان مادر باشد و پزشک با قصد و نیت نا خواسته و تحت شرایط اضطرار نسبت به سقط جنین اقدام نماید، عمل وی غیر اخلاقی محسوب نمی شود.

طیبی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با استخراج دو عامل از مؤلفه های نتیجه گرائی (نتایج کیفی، نتایج کمی و خلاق) اظهار داشتند، عوامل شناسائی شده برای نتیجه گرائی در مدیریت فرآیند برای واحدهای پشتیبانی بیمارستان های سازمان تأمین اجتماعی مناسب است و به کارگیری این الگو می تواند به بهبود مداوم نتایج حاصل کمک کند. همان گونه که در سطور گذشته ذکر آن رفت، اخلاق نتیجه گرا دارای شاخه های مختلفی است اما در این زمینه نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. اگر چه خود گروهی و دیگر گروهی از مهم ترین رویکردها در این نظریه به شمار می روند، صاحب نظران به رویکرد دیگری تحت عنوان هستی گروهی اشاره کرده اند که گستره آن بسیار وسیع بوده و مفهوم سود را فراتر از عاید شدن نفع شخصی و یا نفع دیگران و یا حتی اکثریت می داند.

پاژمن^۱، آلبرت شوایتزر^۲ را پایه گذار رویکرد هستی گروهی معرفی می کند. بر اساس رویکرد هستی گروهی، اشکال گوناگون حیات مقدس است و قابل قبول بودن یک عمل یا تصمیم، از نظر اخلاقی بستگی به نتایجی دارد که چنین عملی بر روی تمام بخش های حیات (کلیه موجودات زنده) شامل انسان ها، حیوانات و نباتات، می گذارد. در هستی گروهی تمامی موجودات که از یک عمل یا تصمیم تأثیر می پذیرند، از نظر اهمیت با یکدیگر برابرند و لذا نتایجی که این عمل یا تصمیم بر روی بخشی از حیات یا گونه ای از موجودات می گذارد، کمتر یا بیشتر از تأثیر آن بر بخش دیگر نیست (Boshoff & Martin, 2011). این رو در اخلاق نتیجه گرا قابلیت ارائه تعبیر عمیق تر و با گستره ای وسیع تر وجود دارد که اصلاح و در نتیجه کاربرد آن را امکان پذیر می سازد.

بحث و نتیجه گیری

پس از بررسی نظریات و تقریر های گوناگون و تبیین مفاهیم کلیدی اخلاق نتیجه گرا می توان گفت انسان مورد نظر سودگرائی، انسان متوسطی است که در پی کسب سود و دفع ضرر خود بوده و این قاعده، قوام بخش مناسبات اخلاقی و اجتماعی آن ها می باشد. به عبارت دیگر ناظر به کلیت انسان ها و نه انسان های نخبه و متصف به فضائل اخلاقی است. به نظر می رسد برای رسیدن به داوری اخلاقی موجه، نمی توان ادعا کرد که بیشینه شدن لذت و خوشبختی و کمینه شدن رنج و الم به معنای نادیده انگاشتن کرامت انسانی بوده و در نتیجه آن را عملی غیر اخلاقی دانست. افزایش خوشی و لذت و کاهش درد و رنج حد اقل در بخشی از حوزه های فعالیت آدمی، وابسته به سیاق است. به طور مثال در حوزه سیاست و حکومت نمی توان بدون توجه به حفظ منافع ملی و تأمین حقوق اکثریت افراد جامعه، به اداره امور پرداخت. بر این اساس حتی، شاید بتوان ادعا کرد که ساختار سود گرائی به نوعی با شیوه حکومت دموکراتیک نزدیکی دارد، زیرا در حکومت دموکراسی راهکارهای مطلوبی برای شناخت دقیق و صحیح سود و منفعتی که در راستای رفاه عمومی جامعه است، وجود دارد و لذا بهتر می توان در جهت بیشینه کردن آن اقدام نمود. همچنین مشارکت و سهیم شدن مردم در ساختار قدرت و به دست گرفتن اداره حکومت پیوسته یکی از ترجیحات و خواست های انسان ها بوده و بنا بر این با استقرار حکومت مردم سالار می توان به این ترجیحات جامعه عمل پوشاند.

حوزه اخلاق کاربردی نیز از حوزه هایی است که در دست نداشتن قاعده ای مشخص برای تصمیم گیری و اقدام به عمل و مغفول ماندن از پیامد عمل ممکن است عواقب جبران ناپذیری را به بار آورد. به طور مثال در شاخه اخلاق پزشکی ممکن است با موقعیت های ویژه ای مواجه شویم که تصمیم گیری و داوری در مورد اخلاقی بودن یا نبودن انجام یک عمل، کاملاً وابسته به سیاق است. در چنین مواردی لازم است که با توجه به نتایج، دست به عمل زد. رویکرد سود گرائی عمل نگر (عمل محور) در چنین شرایطی می تواند یک عمل اخلاقی باشد، بدون آن که چنین عملی را تبدیل به یک قاعده ی تعمیم پذیر نماید [آن گونه که در سود گرائی قاعده نگر مشاهده می شود] و انجام آن را در هر شرایطی مجاز بداند. این رویکرد در رابطه با استفاده از تکنولوژی های پیشرفته عصر اطلاعات نیز کاربردهای قابل توجهی دارد. در حوزه های مدیریتی نیز، علاوه بر مسئولیت اجتماعی، ارزیابی عملکرد سازمان ها بر اساس برآورد هزینه- فایده، امری موجه و منطقی به نظر می رسد. در حقیقت بدون در نظر گرفتن سود و زیان، بقای سازمان ها موضوعیت نداشته و مدیران و کارکنان انگیزه ای برای فعالیت نمی یابند. علاوه بر آن با گسترش روز افزون دامنه تأثیر اخلاق سازمانی و مدیریتی به فراتر از مرزهای ملی و مطرح شدن آن در سطح جهانی، رویکردهای پیامد گرا پیوسته در حال بازنگری و اصلاح بوده است. در این رابطه، اسلامی به نقل از تاکر^۳ اظهار می دارد "در نقد و اصلاح روز آمد پیامد گرائی در اخلاق مدیریت، برخی از تازه ترین مقالات، نه تنها به بازنگری و بازسازی نگاه های ابزار انگارانه و مصلحت اندیشانه

¹pojman

²Albert Schweitzer

³Thaker

مادی به اخلاق و هنجارهای اخلاقی بسنده نکرده اند که بر ضرورت آموزش فضائل معنوی و روحانی چنان تأکید کرده اند که خواستار تدوین علمی با عنوان علم معنویت شده اند (اسلامی، ۱۳۹۰).

به عبارت دیگر لذات از جهات کیفی مورد اعتنا واقع می گردند و نه صرفاً از نظر کمی. ارسطو و کانت به عنوان مهم ترین نظریه پردازان اخلاق فضیلت گرا و وظیفه گرا اعتراف می کنند که تربیت انسان خوب امری است بسیار مشکل، اما تربیت شهروند خوب امکان پذیر و قابل تحقق است و لذا ضمن فرو نگذاشتن تربیت انسان خوب، بایستی در صدد تربیت شهروند خوب بود. بر این اساس می توان گفت هدف تربیت در اخلاق نتیجه گرا در حقیقت تربیت شهروند خوب است. اگر در اخلاق فضیلت گرا تأکید بر تربیت درونی و رشد و پرورش منش اخلاقی فاعل اخلاقی است، در اخلاق نتیجه گرا بر تربیت بیرونی تأکید می گردد. به علاوه تربیت انسان خوب زمانی طولانی را می طلبد که از حوزه زمان و مکان کنونی بسی فراتر است.

در نظریه های یادگیری بر تکرار و تمرین و یادگیری از طریق عادت تأکید فراوان شده است. لذا عمل کردن بر اساس نفع کلی در گستره ای وسیع در طول زمان منجر به نهادینه شدن عادات و در نتیجه بروز رفتارهای صحیح خواهد شد. بنا بر این سود و نفع دنیوی در سودگرایی تا جایی که خیرهای عالی تر و لذت های برتر تباه نگردد، می تواند منشأ زایش ارزش های اخلاقی قلمداد شود. همچنین برخی از نتایج و غایات می توانند از ارزش ذاتی برخوردار بوده و اعمالی که دست یابی به آنها را میسر می سازند، وظیفه اخلاقی شناخته شوند. به نظر می رسد آشنائی با نظریه های اخلاقی گوناگون به طور اعم و شناخت نظریه های اخلاقی فضیلت گرا، وظیفه گرا و نتیجه گرا به طور اخص، می تواند در جهت اتخاذ مواضع صحیح اخلاقی در موقعیت های گوناگون و متناسب با شرایط، مفید باشد. به عبارت دیگر می توان نظریه های اخلاقی را به مثابه نرم افزاری تلقی نمود که از طریق آموزش و شناخت، در ذهن آدمی نصب شده و سپس بر اساس شرایط و موقعیت، این نرم افزار اجرا می شود. بنابر این هیچ یک از این نظریه ها را به عنوان یک نظریه مطلق و خطا ناپذیر، نه می توان مورد تأیید قرار داد و نه می توان آن ها را کنار گذاشت. شاید بتوان ادعا نمود که لزوماً آن ها در تقابل با یکدیگر قرار ندارند، بلکه با به کار گیری آن ها بر اساس شرایط و موقعیت و به تعبیر دیگر با همپوشی و تلفیق این نظریه ها می توان به یک نظام اخلاقی جامع تر دست یافت. نظریه اخلاقی نتیجه گرا با توجه به نقاط ضعف و انتقادات وارد بر آن نه به لحاظ اصول و مبانی، بلکه به دلیل انطباق بیشتر آن با پیچیدگی های مناسبات اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و برخورداری از قالب و چارچوبی عمل گرایانه و سایر ویژگی هایی که شرح آن رفت، می تواند به عنوان یک نظریه اخلاقی مکمل در کنار سایر نظریه ها پاسخ گوی نیازهای اخلاقی بشر در مواجهه با چالش های جدی عصر کنونی باشد. لذا پیشنهاد می گردد، اندیشمندان، متفکران و صاحب نظران به واکاوی عمیق تر و دقیق تر اخلاق نتیجه گرا پرداخته و برنامه ریزان و متخصصان حوزه تعلیم و تربیت نیز ضمن تأکید و تکیه بر اصول و مبانی نظری و ترسیم دورنما و چشم اندازی از اخلاق فضیلت گرا، به تربیت منش و رشد فضائل اخلاقی دانش آموزان اقدام ورزیده و بر اساس رویکرد وظیفه گرا به عنوان مبنائی برای حقوق بشر بر کرامت انسانی و عظمت او فارغ از هرگونه تفاوتی صرفاً بر اساس انسان بودن و به عنوان موجودی صاحب عقل که می بایست در هر شرایط به وظیفه انسانی خود عمل نماید، تأکید نمایند و در عین حال بر آموزش اخلاق نتیجه گرا از طریق مرحله بندی نتایج (کوتاه مدت، میان مدت، بلند مدت)، نگاه دانش آموزان را نسبت به دسترسی به نتایجی فراتر و بالاتر از نتایج آنی و سطح پایین و گسترش نتایج به کل هستی معطوف نمایند.

مراجع

- ۱) اترک، حسین (۱۳۸۴). سود گرایی اخلاقی: نقد و نظر. شماره ۳۷ و ۳۸.
- ۲) اسلامی، محمد تقی (۱۳۹۰). پیامد گرایی اخلاق در عرفان اسلامی. مجله معرفت اخلاقی. سال دوم، شماره ۲.

- ۳) جاهد، محسن؛ تقی پورجاوی، امیرحسین (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی دیدگاه فایده گرایان کلاسیک و ابن حزم اندلسی. معرفت اخلاقی. سال دوم، شماره ۲.
- ۴) جلیلی مقدم، مجتبی (۱۳۸۹). بررسی سودگرایی بنتامی. مجله معرفت. سال نوزدهم، شماره ۱۵۹.
- ۵) حسینی سورکی، سید محمد (۱۳۹۰). بررسی و نقد سود گرایی اخلاقی. فصلنامه پژوهش های فلسفی - کلامی. سال دوازدهم، شماره ۳، پیاپی ۴۷.
- ۶) حسینی سورکی، سید محمد (۱۳۸۴). معنا و ماهیت سود در نظر سود گرایان. فصلنامه نقد و نظر. شماره ۳۷ و ۳۸.
- ۷) سبحانی نیا، محمد تقی (۱۳۸۹). بررسی معیارهای هفتگانه جرمی بنتام با تکیه بر آموزه های اسلامی. مجله معرفت اخلاقی. ۱۳۸۹، شماره ۲.
- ۸) طبیبی، سید جمال الدین؛ ملکی، محمد رضا؛ حسام، سمیه (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر نتیجه گرایی در مدیریت فرایند واحدهای پشتیبانی بیمارستان های سازمان تأمین اجتماعی. فصلنامه نظام سلامت. سال اول، شماره ۳.
- ۹) قریشی، عاطفه سادات (۱۳۹۰). بررسی کتاب فایده گرایی جان استوارت میل. فلسفه. ۱۳۹۰، شماره ۴۸.
- ۱۰) مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). فلسفه اخلاق. تهران، چاپ اول، انتشارات اسوه.
- ۱۱) مظاهری سیف، حمید رضا (۱۳۸۹). نتیجه گرایی در اخلاق اسلامی: راهکارهای جذاب سازی و تأثیر گذاری درس اخلاق اسلامی. معارف. شماره ۸۱.
- ۱۲) موحدی، محمد جواد؛ گلزار اصفهانی مژگان (۱۳۸۹). بررسی سقط جنین بر اساس نظریه ی اثر دو گانه. مجله اخلاق و تاریخ پزشکی. دوره ی سوم، شماره ۲.
- ۱۳) موحدی محمد جواد. بررسی رابطه وظیفه گرایی با نتیجه گرایی. پژوهش های فلسفی. (۱۳۸۹). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۳، شماره ۲۱۶.
- ۱۴) نصیری، منصور (۱۳۸۹). نظریه برین سودگرایی در اخلاق و تطبیق آن با نظریه سودگرایی رایج. فصلنامه پژوهشی پژوهش نامه اخلاق. سال سوم، شماره ۹.
- ۱۵) هرگنهان، بی آر؛ السون، متیو اچ (۱۳۸۶). مقدمه ای بر نظریه های یادگیری. ترجمه: علی اکبر سیف. تهران، چاپ یازدهم، نشر دوران.

16) Armstrong, M. B., Ketz, J. E., Owsen, D. (2003). Ethics education in accounting: moving toward ethical motivation and ethical behavior, Journal of Accounting Education. J. of Acc. Ed. 21. Pergamon.

17) Boshoff, E., Martin, K. (2011). The conceptualization and measurement of philosophical approaches that influence ethical decision making in the work context: part 1, Department of industrial psychology, Faculty of economic and management sciences, University of Free State, Blumfonte in South Africa.

18) Badhwar, N. K. (2006). John Stuart Mill on Happiness, The Philosophers' Magazine, (the Mill bicentenary issue), Issue 35, 3rd quarter, University of Oklahoma.

19) Burnes, J. H. (2005). Happiness and Utility: Jeremy Bentham's Equation, University College London, Cambridge University Press, Utilitas Vol. 17, No. 1, Printed in the United Kingdom.

20) Darwall, S. (2003). Deontology, The University of Chicago, Wiley Blackwell Publishing: 1.

21) Dreier, J. (2006). Contemporary debates in moral theory, Wiley Blackwell.

22) Habibi, D. A. (2001). John Stuart Mill and the Ethics Human of Growth, Kluwer Academic Publishers.

23) Hamilton, C. (2011). The Ethical Foundations of Climate Engineering, Canberra.

24) Heikkinen, J. (2007). Consequentialism and the Demandingness Objection, A Thesis submitted to the Faculty of Graduate Studies of The University of Manitoba in partial fulfillment of the requirements of the degree of MASTER OF ARTS.

25) Horty, J. F. (2011). P. Girard et al. (eds.), Perspectival Act. DOI 10.1007/978-94-007-0074-1_11. Springer Science+Business Media B.V.

- 26) Landa ,R.S.(2007). Ethical theory: An Anthology, Wiley Blackwell Publishing: 453.
- 27) Lillehammer, H.(2007). M. Boylan(Ed). Consequentialism and Global Ethics, Cambridge University.
- 28) Lion ,D.(1997). Mill's Utilitarianism, publishers: Rowman & Littlefield
- 29) McElwee, B.(2011). Impartial Reasons, Moral Demands, Ethical theory and moral practice, vol 14, No. 4.
- 30) Mulgan, T.(2002). The Demand of consequentialism, Oxford University Press.
- 31) Narita, I.(2009). Paradoxes of consequentialism, Journal for the study of religions and ideologies.
- 32) Portmore, D.w.(2010). Forthcoming in Cristian Miller (ed.). The continuum companion to Ethics.
- 33) Prist, O.(1957). Moral problems, Toronto Buffalo: University of Toronto.
- 34) Sher, G.(ed).(2001). Critique of Mill Utilitarianism, Indiana Polis, IN: Hackett Publishing Company.
- 35) Singleton, J.(1999). Principle Lecture in Philosophy, University of Hertfordshire.
- 36) Slabbert, M.(2010). Ethics, Justice and the Sale of Kidneys for Transplantation Purpose, PER/PELJ (P.E.R.), Volume 13, No.2
- 37) Staveren, I. V.(2007). Beyond Utilitarianism and Deontology: Ethics in Economics, Radboud University Nijmegen, The Netherlands; Institute of Social Studies, The Hague, The Netherlands, Review of Political Economy, Volume 19, Number 1, Routledge publisher.